روانشناسي و كاربردهاي آن در حج

محمد حسين شريفي نيا

مقدمه

در جهان امروز روان‌شناسي با بيشتر جنبه‌هاي زندگي ما سر و کار دارد. از شيوه‌هاي فرزندپروري تا درمان اعتياد به مواد ‌مخدر و روان گردان؛ از مراقبت و پرستاري نوزادان، بيماران و کهنسالان تا طراحي نيروگاه‌هاي برق هسته‌اي؛ از تأثير فشار رواني بر دستگاه ايمني بدن تا شيوه‌هاي متقاعدسازي معترضين و مخالفين سياسي. روان‌شناسان به کمک پژوهش‌هاي ميداني اين‌گونه مسائل را بررسي مي‌کنند و بر آنند تا مؤثرترين، ساده‌ترين و عملي‌ترين راه‌حل‌ها را ارائه کنند.

علاوه بر اين، روان‌شناسي با مطالعة قوانين حاکم بر خصوصيات شخصيتي و ويژگي‌هاي هيجاني و رفتاري انسان، امکان خودشناسي بهتر را فراهم مي‌آورد. همان‌طور که مي‌دانيم در اسلام خودشناسي از اهميت ويژ‌ه‌اي برخوردار است؛ به‌طوري که پيامبر(ص) آن را بهترين راه خداشناسي1 و امام علي(ع) آن را سودمندترين دانش2 دانسته‌اند.

از اين رو، لازم است عموم مردم، حتي کساني که در پي کسب تخصص علمي در اين رشته نيستند، تا حدودي با مباحث کلي اين دانشِ پويا آشنا شوند؛ زيرا آشنايي با روان‌شناسي، ما را در شناخت خود، فهم رفتار ديگران و چگونگي تأثيرگذاري بر ديگران و در نهايت داشتن زندگي مؤثر، شاد و رضايت‌بخش ياري مي‌دهد.

به اين سبب قبل از پرداختن به کاربرد‌هاي روان‌شناسي در عرصة حج و زيارت، با مروري بر مهم‌ترين مسائل اين رشته علمي، به اختصار آن را معرفي مي‌کنيم.

موضوع و تعريف روان‌شناسي

ابتدا ببينيم موضوع روان‌شناسي چيست وروان‌شناسانآنرا چگونه تعريف کرده‌اند.کلمة روان‌شناسي که معادل انگليسي آن Psychology است، از دو واژة لاتين Psyche به معناي «روان» وLogos بهمعناي «شناختن» تشکيل شده وبه مفهوم شناخت روح وروان مي‌باشد. اين اصطلاح در فلسفة اسلامي علم النفس ناميده مي‌شودکه به معناي آگاهي بر احوال و حالات نفس است. اما در روان‌شناسي علمي، به دليل اين‌که مشاهده و مطالعة تجربي روح، روان و نفس، عملاً امکان‌پذير نيست، آثار و عوارض آن؛ يعني رفتار و خصوصيات رواني؛ مانند احساسات، هيجانات، شناخت‌ها و ويژگي‌هاي شخصيتي را موضوع روان‌شناسي قرار داده‌اند. بر اين اساس، اغلب روان‌شناسان معاصر، دانش روان‌شناسي را «مطالعه علمي رفتار و فرايند‌هاي ذهني» تعريف کرده‌اند.3

بدين ترتيب، مي‌توان گفت روان‌شناسي به عنوان يک علم تجربي، همة اعمال و حرکات آدمي؛ اعم از اعمال آشکار و قابل مشاهده؛ نظير خنديدن، نوشتن يا سخنراني کردن و اعمال پنهان و غير قابل مشاهده مانند تفکر، تخيل وگفتگوي دروني وهمچنين فرايند‌هاي ذهني از قبيل: هوش، صفات شخصيت، عواطف، هيجان‌ها، حافظه، ادراک، انگيزش، يادگيري و... را به‌صورت تجربي مورد مطالعه و بررسي قرار مي‌دهد و تلاش مي‌کند قانون‌هاي حاکم بر آنها را کشف نمايد.

سابقة روان‌شناسي

روان‌شناسي تحت عنوان علم النفس يا اخلاق به عنوان يکي از شاخه‌هاي اصلي فلسفه، قدمتي چندهزار ساله دارد. از سقراط و افلاطون و ارسطو گرفته تا فارابي، رازي، ابن‌سينا، غزالي، خواجه نصير، ملاصدرا و فيض کاشاني، کمتر متفکري را سراغ داريم که در آثار خود به اين علم نپرداخته باشد. در آثار اين دانشمندان، نه تنها مباحث اصلي روان‌شناسي مانند احساس، ادراک، عاطفه، تفکر، تخيل و توانايي‌هاي ذهني مورد بحث قرارگرفته‌اند؛ بلکه با روش‌هاي برهاني، تمثيلي و شبه تجربي در مورد نظريه‌هاي معارض در زمينه‌هاي احساس و ادراک يا لذت و الم داوري نيز شده است.

دانشمندان غربي، سنت ارسطويي روان‌شناسي را با آغاز رنسانس پذيرا شدند و در اواخر سدة نوزدهم ميلادي آن را به عنوان يک علم تجربي مستقل، از فلسفه جدا نمودند. بدين ترتيب خيزش موج انقلاب صنعتي در اروپا، روان‌شناسي را ـ که برآمده از فلسفه و زيست شناسي بود ـ به‌صورت يکي از علوم طبيعي درآورد. در حقيقت اين علم هنگامي به عنوان يک رشته مستقل متولد شد که ويلهلم وونت4، در سال 1879 نخستين آزمايشگاه روان‌شناسي را در شهر لايپزيک5 آلمان بنا نهاد. از اين رو، بعضي وونت را پدر علم روان‌شناسي مي‌دانند.

وونت با ابداع روش درون نگري تجربي،6 به بررسي پديده‌هاي حسي و ادراکي پرداخت. در اين روش، از مشاهده کننده ـ که در واقع يک روان‌شناس آموزش ديده بود ـ خواسته مي‌شد جزئيات دقيق احساس‌هايي مثل خشم، ترس و... را که از طريق موقعيت‌هاي تجربي در آزمايشگاه ايجاد مي‌شد (مانند افتادن ناگهاني يک شئ) توصيف کند. کسانيکه در آزمايشگاه وونت کار مي‌کردند، به سرعت اين روش را به ساير زمينه‌هاي رواني نظير تفاوت‌هاي فردي، حافظه و فرايند يادگيري، تعميم دادند. به تدريج حيوانات و کودکان نيز در تحقيقات روان‌شناسي، جايي براي خود باز کردند.

در همين ايام روان‌شناسان به تحقيق در بارة افراد نابهنجار7 يعني روان‌پريش‌ها،8 روان نژندها9 و کم هوش‌ها پرداختند. فرويد10 به عنوان پيشرو مطالعه در زمينة روان‌نژندي، بر نقش ناهشيار11 در رفتار و اختلالات رواني تأکيد داشت. اين امر باعث گرديد که به تدريج اهميت هشياري12 ـ که به نظر وونت اساس مطالعات روان‌شناسي بود ـ و همچنين روش درون‌نگري تجربي کاهش يابد و توجه روان‌شناسان بيشتر به رفتار مشهود موجود زنده معطوف گردد. در جريان اين پيشرفت‌ها، موضوعات روان‌شناختي متعددي مورد توجه قرار گرفت. به عنوان نمونه، نتايج حاصل از تحقيق در زمينه‌هاي حافظه، يادگيري، رفتار کودک، تفاوت‌هاي فردي و اندازه‌گيري هوش، ارزش عملي بسياري در آموزش و پرورش پيدا کرد و چارچوب اصلي روان‌شناسي تربيتي، شکل گرفت. روان‌شناسي باليني نيز به تحقيق در زمينة رشد کودک، رفتار نابهنجار و اندازه‌گيري خصوصيات کيفي نظير هوش، شخصيت، عواطف و استعدادها پرداخت.

به موازات افزايش اطلاعات روان‌شناختي، مکاتب و نظام‌هاي مختلف روان‌شناسي نظير روان‌کاوي،13 ساخت‌گرايي،14 زيست‌شناختي،15 رفتارگرايي،16 شناخت‌گرايي،17 روان‌شناسي گشتالت،18 روان‌شناسي انساني‌نگر19 و نظام‌هاي کوچک‌تر روان‌شناسي پديد آمدند. روان کاوي نظامي بود که تحقيقات خود را مستقيماً متمرکز بر شخصيت و مشکلات رفتار متمرکز کرده بود. ساخت‌گرايان به مطالعه ساختار هشياري و فرايند تحول شناخت در انسان پرداختند. زيست‌گرايان تحقيقات خود را متوجه نقش هشياري در سازگار شدن موجود زنده با محيط کرده بودند و از اين جهت، تحت تأثير نظرية تحوّل داروين قرار داشتند. رفتارگرايان ‌که احساس مي‌کردند مطالعه در زمينة هشياري و ناهشياري نمي‌تواند به سؤال‌هاي آنها پاسخ دهد، توجه خود را معطوف فرآيند يادگيري نمودند. آنها روش‌هاي عيني را جانشين روش‌هاي ذهني پيشين نمودند و سعي داشتند همچون علوم فيزيکي، صرفاً به مطالعه رفتار مشهود بپردازند. تحقيقات روان‌شناسان روسي در رابطه با پاسخ‌هاي شرطي،20 از قبل زمينة لازم براي اين انديشه را فراهم کرده بود. در مقابل روان‌شناسي گشتالت که با جنبه‌هاي مختلف تجربه و رفتار سر و کار داشت، روش کل نگر21 را براي تحقيقات خود برگزيد.

همزمان روان‌شناسان شناختي به مطالعه تفکّر، فهميدن، ادراک کردن، حافظه، تصميم‌گيري و قضاوت پرداختند و رفتار را برحسب فرآيند پردازش اطلاعات، توصيف نمودند. آنها آدمي را بيشتر به يک رايانه تشبيه مي‌کنند که بر اساس برنامه‌هاي از پيش تعيين شده، نسبت به اطلاعات دريافتي از محيط، واکنش نشان مي‌دهد. در ادامه روان‌شناسان علاقه‌مند شدند نقش فعاليت مغز و سيستم عصبي، ژنتيک، سيستم غدد درون‌ريز و مجموعة عوامل زيست ـ شيمي22 بدن را در رفتار و فرايند‌هاي ذهني دريابند. از اين رو مطالعات مربوط به روان‌شناسي فيزيولوژيک گسترش يافت و به يافته‌هاي ارزشمندي در مورد رابطه دستگاه عصبي و فرايند‌هاي رواني دست يافت. از سوي ديگر روان‌شناسان انسان‌گرا هم با تمرکز بر نياز فطري انسان به رشد و کمال، به بررسي مشکلات کنوني، توانايي‌هاي بالقوه و آرمان‌هاي آدمي مشغول شدند.

در حال حاضر اين تمايل قوي در روان‌شناسان ايجاد شده است که بايد به مکاتب روان‌شناسي با ديدگاهي تلفيقي نگريست و با گزينش بهترين وجوه هر مکتب، توصيف و تبيين دقيق‌تر و جامع‌تري از رفتار و ويژگي‌هاي رواني ارائه داد. بر اين اساس، در حال حاضر تلاش روان‌شناسان به ادغام يافته‌ها و ايجاد وحدت و يکپارچگي در آنچه کسب شده، معطوف گرديده است.

گسترة روان‌شناسي

امروزه روان‌شناسي گسترش زيادي يافته است و روان‌شناسان در موضوعات گوناگون انساني وارد شده‌اند. به گونه‌اي كه تاکنون بيش از 45 شاخه مختلف روان‌شناسي به ثبت رسيده است. با اين وجود به دليل تنوع مسائل روان‌شناختي و ترکيب رو به رشد اين علم با ساير علوم، به سرعت زمينه‌هاي بين رشته‌اي جديدي در حال پديد آمدن مي‌باشد. برخي از رشته‌هاي روان‌شناسي که هم اکنون کاملاً جا افتاده‌اند و در بسياري از دانشگاه‌هاي دنيا تا سطح دکتري داراي برنامه آموزشي مي‌باشند، بدين قرار است:

1. روان‌شناسي عمومي؛23 موضوع اين رشته، مرور مسائل کلي و اساسي روان‌شناسي؛ نظير يادگيري، احساس و ادراک، رشد رواني ‌ـ‌ عاطفي، شخصيت، هوش، رفتار اجتماعي، انگيزش و هيجان، آسيب‌شناسي رواني و درمان اختلالات رواني است. روان‌شناسان عمومي، مباني نظري و کاربرديِ اين علم را فراهم مي‌کنند و براي ايجاد انسجام و پيوستگي ميان متخصصان، شاخه‌هاي مختلف روان‌شناسي تلاش مي‌کنند.

2. روان‌شناسي رشد؛24 اين رشته به مطالعة مستمر تحوّلات شناختي، رواني، عاطفي و اجتماعي انسان از زمان تشكيل نطفه تا پايان عمر مي‌پردازد. موضوعاتي؛ مانند نقش وراثت و محيط در شكل‌گيري شخصيت و بررسي تحولي تغييرات بدني، ذهني، عاطفي، كلامي، اجتماعي، حسي و حركتي در طول زندگي، مهم‌ترين مباحث اين شاخة روان‌شناسي است.

3. روان‌شناسي شخصيت؛25 اين رشته در حقيقت جمع‌بندي همة يافته‌هاي روان‌شناسي در شاخه‌هاي گوناگون است. مهم‌ترين موضوعات مورد علاقة روان‌شناسان شخصيت بدين قرار است: فرايند تکوين و تحول شخصيت، ارائة نظريه در باب ابعاد مختلف شخصيت، انواع صفات شخصيت، سنجش و ارزيابي ويژگي‌هاي شخصيتي و عوامل مؤثر بر شکل‌گيري، رشد و آسيب‌هاي شخصيت.

4. روان‌شناسي تفاوت‌هاي فردي؛26 اين شاخه که گاهي روان‌شناسي جنسيت هم ناميده مي‌شود، به تحقيق پيرامون تفاوت‌هاي موجود بين دو جنس مذکر و مؤنث، چگونگي کسب هويت جنسي و نقش جنسيت در طول زندگي مي‌پردازد.

5 . روان‌شناسي يادگيري؛27 اين رشته به مطالعة فرايند‌هاي يادگيري، انواع يادگيري، عوامل مؤثر بر يادگيري، رابطه انگيزش و يادگيري و يادگيري يارانه‌اي اختصاص دارد و تلاش مي‌کند در زمينة چگونگي يادگيري در انسان و حيوان آزمايش‌هاي تجربي انجام داده و نظريه‌هاي تبييني ارائه کند.

روان‌شناسيِ يادگيري، يکي از شاخه‌هاي اصلي و بنيادين دانش روان‌شناسي است که يافته‌هاي آن در ساير شاخه‌هاي روان‌شناسي مورد استناد و بهره‌برداري قرار مي‌گيرد.

6 . روان‌شناسي تربيتي؛28 موضوع روان‌شناسي تربيتي يا پرورشي به كار بستن قواعد و يافته‌هاي شاخه‌هاي مختلف روان‌شناسي در فرايند تعليم و تربيت است. به عبارت ديگر، هدف اصلي روان‌شناسي تربيتي توجه عميق به امر آموزش و پرورش و پرداختن به عوامل مؤثر در يادگيري، پيشرفت تحصيلي، سازگاري، تحول ذهني و رواني و رشد متعادل انسان است.

7. روان‌شناسي آموزشگاهي؛29 روان‌شناسان آموزشگاهي عمدتاً در مدارس به کار مي‌پردازند. آنها در زمينة ارزيابي توانايي‌هاي هوشي و شخصيتي دانش‌آموزان و راهنمايي آنها به رشته‌هاي متناسب با استعدادها و علائق‌شان فعال هستند. علاوه بر اين، روان‌شناسان آموزشگاهي به دانش‌آموزاني كه داراي مشكلات يادگيري مانند: مشكلات خواندن، نوشتن، حساب كردن هستند و يا دانش‌آموزاني كه داراي مشكلات هيجاني و عاطفي مي‌باشند، خدمات مشاوره‌اي ارائه مي‌کنند يا با معرفي آنها به مراجع تخصصي، نسبت به درمان آنها اقدام مي‌نمايند.

8 . روان‌سنجي؛30 مجموعة شيوه‌هايي که به روان‌شناس کمک مي‌کند تا پديده‌هاي رواني را از حالت کيفي به حالت کمي يا عددي درآورد، روان‌سنجي ناميده مي‌شود. متخصصين روان‌سنجي با استفاده از روش‌هاي آماري و بهره‌گيري از آزمون‌هاي رواني، انواع پديده‌هاي رواني؛ مانند هوش، شخصيت، اختلالات رواني، نگرش، استعداد، رغبت، انگيزش و پيشرفت تحصيلي را اندازه‌گيري مي‌کنند.

9. روان‌شناسي نابهنجاري؛31 توصيف، طبقه‌بندي و تبيين علل آسيب‌هاي رواني و ناهنجاري‌هاي رفتاري شامل اختلالات خلقي و اضطرابي، اختلالات شخصيت، اختلالات روان‌تني، انواع اعتيادها و سوء مصرف مواد در اين شاخه از دانش روان‌شناسي مطالعه مي‌شود. علاوه بر اين، تأثير عوامل زيستي، محيطي، فرهنگي و اجتماعي بر رفتار ناهنجار و تعيين سهم هر يک از آنها در بروز اختلالات رواني مورد توجه دانشمندان اين رشته قرار دارد.

در واقع روان‌شناسي، مرضي که آسيب‌شناسي رواني هم ناميده مي‌شود، يک رشته بنيادي است که يافته‌هاي آن در تدوين نظريه‌ها و فنون درمان ناهنجاري‌هاي رفتاري و شيوه‌هاي حفظ سلامت رواني کاربرد دارد.

10. روان‌شناسي باليني؛32 در اين رشته کاربردي که بزرگترين بخش تخصصي در روان‌شناسي است، با بهره‌گيري از فنون و ابزار‌هاي روان‌شناختي، اختلالات عاطفي و مشكلات رفتاري مورد مطالعه، ارزيابي، تشخيص و درمان قرار مي‌گيرند. تقريباً قريب 50 % از کل روان‌شناسان دنيا در اين رشته و شاخه‌هاي مرتبط با آن مشغول فعاليت مي‌باشند.

11. راهنمايي و مشاوره؛33 اين شاخه از روان‌شناسي، به بررسي فرايند‌هايي مي‌پردازد که هدف آن ياري رساندن به مراجع، براي حلّ مشکلات زندگي يا افزايش رشد شخصي و رواني اوست. مشاوران‌که عمدتاً به حلّ مشکلات سطحي و فراگير مي‌پردازند، سعي مي‌کنند طي فرايند‌هاي ارتباطي و مشاوره‌اي خاصي به مراجع کمک کنند تا خود را بهتر بشناسد و از اين طريق بر مشکلات روزمرة خود در زندگي خانوادگي، تحصيلي، حرفه‌اي و اجتماعي غلبه نمايد و در نتيجه به انساني مؤثرتر، خلاق‌تر و شادمان‌تر تبديل گردد و بتواند با رشد همه جانبه و متوازن رواني ـ اجتماعي، استعداد‌هاي ذاتي‌اش را شکوفا سازد.

12. روان‌شناسي سلامت؛34 روان‌شناسان سلامت در پي يافتن راه حل‌هايي براي گسترش سلامت عمومي در جامعه و ارائة سبک‌هاي رفتاري مناسب به مردم هستند. آنها مي‌خواهند با کاربرد يافته‌هاي روان‌شناسي، رفتار‌هاي پرخطر را کاهش داده و روش‌هاي مناسب زندگي را به مردم معرفي کنند تا ضمن ارتقاي کيفيت زندگي، آنان دچار بيماري‌هاي خطرناکي مثل ايدز، ناراحتي‌هاي قلبي، سرطان، ديابت و... نشوند.

بر اين اساس در روان‌شناسي سلامت به مواردي همچون کاربرد نظام‌مند يافته‌هاي روان‌شناسي در حيطه‌هاي سلامت، پيشگيري از بيماري‌هاي خطرناک و مسري، مقابله با فشار‌هاي رواني و بهبود نظام‌هاي مراقبت بهداشتي به منظور ارتقاي کيفيت زندگي مردم پرداخته مي‌شود.

13. خانواده‌درماني؛35 موضوع اين شاخة روان‌شناسي، بررسي مسائل و مشکلات مربوط به خانواده است. مسائلي از قبيل مشکلات ازدواج و دوران نامزدي، حل اختلافات زناشويي، پيشگيري از طلاق و جدايي، بهبود تعامل همسران، روابط زناشويي رضايت بخش، شيوة تعامل با فرزندان و فنون فرزندپروري، مهار عوارض طلاق، حل مشکلات خانواده‌هاي تک والد يا بي‌سرپرست و همة اموري که به تحکيم نهاد خانواده و بهبود روابط خانوادگي و پيشبرد بهداشت رواني خانواده مربوط مي‌باشد، در حوزه فعاليت روان‌شناسي خانواده قرار دارد.

14. روان‌شناسي اجتماعي؛36 موضوع اين رشته، تأثير متقابل فرد و جامعه بر يکديگر و قوانين حاکم بر رفتار‌هاي فرد در گروه مي‌باشد. مباحثي از قبيل معيارها و هنجار‌هاي اجتماعي و نقش آن در تصميم‌گيري و رفتار فردي و جمعي، مناسبات بين گروهي، باور‌هاي عمومي و تعاملات اجتماعي، نمادها و ارتباطات غيرکلامي، تكوين بازخوردها، تغيير نگرش‌ها و نقش رسانه‌هاي جمعي در شکل دادن رفتار مردم، بخشي از موضوعات مورد علاقه روان‌شناسان اجتماعي است.

15. روان‌شناسي بين‌فرهنگي؛37 روان‌شناسان فرهنگي، علاقه‌مند به مطالعة تأثير فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها بر رفتار اشخاص بوده و نقش تفاوت‌هاي فرهنگي، قومي، مذهبي، نژادي و ملي در تکوين رفتار و صفات رواني را بررسي مي‌کنند.

16. روان‌شناسي دين؛38 شاخه‌اي از علم روان‌شناسي است که پديدآيي و کارکرد‌هاي دين را از بُعد روان‌شناختي مطالعه مي‌کند. بدين ترتيب ساختار و چگونگي شکل‌گيري اديان، نقش دين در ابعاد گوناگون زندگي فردي و اجتماعي، آثار شناختي، عاطفي و رفتاري دين بر دين‌داران و نظريه‌پردازي در باب منشأ دين مهم‌ترين موضوعات مورد علاقه روان‌شناسان دين مي‌باشد.

17. روان‌شناسي محيط‌نگر؛39 يكي ازشاخه‌هاي بين‌رشته‌اي، روان‌شناسي است که به مطالعه و پژوهش در زمينة اثرات محيط فيزيكي؛ مانند ترافيک، ازدحام، رنگ‌ها، سر و صدا، آلودگي هوا و... بر رفتار و عواطف و فرايند‌هاي ذهني مي‌پردازد. دانشمندان اين رشته تلاش مي‌کنند محيط شهرها آرام‌بخش، جذاب و نشاط‌آفرين گردد و از طريق بهينه‌سازي محيط زيست، فشارها و دشواري‌هاي زندگي شهروندان کاهش يابد.

18. روان‌شناسي تبليغ و ارتباطات؛40 اين رشته به مطالعه و تحقيق در مورد اصول متقاعدسازي و فنون تأثيرگذاري بر ديگران به قصد تغيير نگرش و رفتار آنان مي‌پردازد. از اين رو روان‌شناسان تبليغ تلاش مي‌کنند مسائل روان‌شناختي مرتبط با چهار عنصر پيام، پيام گيرنده، پيام‌رسان و زمينة پيام را در موقعيت‌هاي مختلف بررسي نمايند و تأثيرگذارترين شيوه‌هاي متقاعدسازي را پيشنهاد نمايند. در حال حاضر متخصصين اين رشته مورد توجه توليدکنندگان، شرکت‌هاي بزرگ تجاري، رسانه‌هاي جهاني و سياست‌مداران قرار دارند.

19. روان‌شناسي مديريت؛41 اين شاخه به بررسي ابعاد روان‌شناختي مديريت مي‌پردازد. مسائلي؛ مانند رابطة انسان و دنياي کار، ويژگي‌هاي رهبران و مديران موفق، فنون مديريت اثربخش، انواع سبک‌هاي مديريتي و اين‌که چه سبک‌هايي براي چه موقعيت‌ها و گروه‌هايي مناسب‌تر است، رضايت شغلي کارکنان، تحليل رفتار سازماني و بهبود انگيزش کارکنان در جهت تحقق اهداف سازمان، مهم‌ترين موضوعات روان‌شناسي مديريت مي‌باشند.

20. روان‌شناسي صنعتي؛42 در اين رشته کاربردي که نام ديگر آن روان‌شناسي کار است، تلاش مي‌شود يافته‌هاي روان‌شناسي در جنبه‌هاي مختلف محيط کار مثل بهره‌وري، رفتار سازماني، آرگونومي يا انطباق شرايط محيط کار و ماشين‌ها با ويژگي‌هاي انساني و تعامل بين انسان و کامپيوتر به کار گرفته شود تا ضمن بالا رفتن بهره‌وري، انگيزه و رضايت‌مندي کارکنان نيز افزايش يابد.

21. روان‌شناسي سياسي؛43 مطالعة ابعاد روان‌شناختي رفتار سياسي، شيوه‌هاي بهره‌گيري رهبران و سياست‌مداران از تدابير و راهبرد‌هاي روان‌شناختي، آثار سبک‌هاي گوناگون رهبري بر رفتار عمومي توده‌ها، عوامل مؤثر بر محبوبيت و تأثيرگذاري رهبران و شيوه‌هاي متقاعدسازي و جلب آراي مردم؛ از جمله موضوعات روان‌شناسي سياسي است.

22. روان‌شناسي هنر؛44 تلاش براي افزايش اثرگذاري محصولات هنري بر مخاطبان، مشاوره به سازندگان آثار هنري به ويژه تهيه‌کنندگان و کارگردانان فيلم‌هاي سينمايي، تئاتر و انيميشن در مورد افزايش جذابيت و کاهش عوارض منفي آنها مطالعه پيامد‌هاي شناختي، عاطفي و رفتاري محصولات صوتي و تصويري در مخاطبان، به ويژه کودکان و نوجوانان، مهم‌ترين وظايف اين شاخه روان‌شناسي را تشکيل مي‌دهند.

ساير شاخه‌هاي روان‌شناسي که تعريف آنها در اين مختصر نمي‌گنجد، عبارت اند از:

روان‌شناسي رفتاري، روان‌شناسي سالمندي، روان‌شناسي زنان، روان‌شناسي پزشکي، روان‌شناسي باليني کودک، فلسفه روان‌شناسي، علم‌النفس يا روان‌شناسي فلسفي، روان‌شناسي اخلاق، روان‌شناسي مثبت‌نگر، هيپنوتيزم و فرا روان‌شناسي.

کاربرد‌هاي روان‌شناسي در زندگي روزمره

روان‌شناسي، يک علم نظري و کاربردي است که به شيوه‌هاي گوناگون در زندگي فردي و اجتماعي ما نقش ايفا مي‌کند. هر چند خواندن مطالب علمي براي افراد معمولي تا حدي دشوار و خسته‌کننده است؛ امّا نتايج پژوهش‌ها و آزمايش‌هاي روان‌شناختي، کاربرد‌هاي مهمي در زندگي روزمرة ما دارند. برخي از مهم‌ترين کاربرد‌ها که اغلب به‌طور روزانه با آنها سروکار داريم، بدين قرار است:

1. خودشناسي يا توانايي شناخت علل واقعي حالات و رفتار‌هاي خويش

اولين و مهم‌ترين فايده روان‌شناسي توانايي درک و شناخت علل واقعي حالات و رفتار‌هاي خويش يا همان خودآگاهي و خودشناسي است. مي‌دانيم که خودشناسي مهم‌ترين شرط رسيدن به زندگي سعادت‌مندانه و اساسي‌ترين نياز بشر براي تهذيب نفس و اصلاح خويشتن است. اما خودآگاهي بدون آشنايي با صفات و ويژگي‌هاي شناختي، عاطفي، رفتاري، ارزشي، اعتقادي و نگرشي خويش ممکن نيست.

دانش روان‌شناسي، هم از طريق توصيف و تبيين قوانين حاکم بر رفتار و صفات انساني و هم با فراهم آوردن فنون و ابزار‌هاي مناسب خودسنجي، امکان آگاهي يافتن از واقعيات دروني‌مان را که اغلب براي ما مبهم و ناشناخته است، ميسّر مي‌سازد. در واقع ما با مجهز بودن به اين علم مي‌توانيم درک درست‌تري از حالات و رفتار‌هاي خود داشته باشيم و بهتر آنها را مديريت نماييم.

2. تغيير عادات و رفتار‌هاي نامطلوب

همة ما رفتارها و عادت‌هاي نامطلوبي داريم که دوست داريم آنها را تغيير دهيم و از شر آنها خلاص شويم. در حقيقت توبه نوعي تصميم به تغيير يک عادت يا رفتار ناپسند است. احتمالاً هر کدام از ما در زندگيمان بارها از رفتار نادرستي توبه نموده‌ايم و به‌طور جدي تصميم گرفته‌ايم که آن را رها کنيم؛ اما هر بار پس از مدتي شکست خورده و دچار لغزش و ارتکاب همان عمل شده‌ايم.

روان‌شناسي مي‌تواند ابزار‌هاي مؤثري براي تغيير هر نوع عادت و رفتار نامطلوبي، از ترک سيگار و پرخوري گرفته تا کاهش عصبانيت و پرخاشگري، در اختيار ما قرار دهد. به عنوان نمونه روان‌شناسي تغيير رفتار به ما مي‌آموزد که وقتي مي‌خواهيم رفتاري را تغيير دهيم، ابتدا بايد رفتار مورد نظر را به‌صورت جزئي و دقيق تعريف کنيم؛ سپس تعداد تکرار آن را در وضعيت فعلي مشخص کنيم و در نهايت تعيين کنيم که دقيقاً چه تغييري مي‌خواهيم در آن رفتار ايجاد کنيم؛ آيا مي‌خواهيم آن را به کلي حذف نماييم (مثل ترک سيگار)، يا فقط آن را کاهش دهيم (مثل پرخوري)، يا آن را تحت کنترل خود قرار دهيم (مثل عصبانيت).

پس از انجام اين اقدامات اوليه، فنون مناسب تغيير رفتار را شناسايي و طبق دستور به کار مي‌بنديم تا به هدف مطلوب خود دست يابيم.

3. درک بهتر ديگران و بهبود روابط ميان فردي

انسان موجودي اجتماعي است و بدون ارتباط با ديگران نمي‌تواند زندگي سالم و رضايت‌بخشي داشته باشد. به همين دليل ارتباطات ميان فردي، بخش بزرگي از زندگي ما را تشکيل مي‌دهد. براي اين‌که بهتر و مؤثرتر با ديگران رابطه برقرار کنيم، بايد توانايي درک عواطف، احساسات، هيجانات و رفتار‌هاي آنها را داشته باشيم. دانش روان‌شناسي اين امکان را براي ما فراهم مي‌سازد تا با تقويت هوش هيجاني خود و فراگيري مهارت‌هاي همدلي و ارتباطي، روابط ميان فردي خود را تقويت کنيم و از تعامل با ديگران لذت ببريم.

4. حفظ سلامت عمومي و ارتقاي احساس خشنودي و رضايت از زندگي

امروزه بر همگان آشکار شده است که استرس، اضطراب و ساير ناخشنودي‌هاي روحي، علت بسياري از بيماري‌هاي جسمي و مشکلات رفتاري است. از سوي ديگر زندگي ماشيني و پررقابت کنوني دائماً انسان‌ها را در معرض فشار رواني و اضطراب قرار داده، آنها را به شدت آسيب‌پذير ساخته است.

يکي از مهم‌ترين کاربرد‌هاي روان‌شناسي ارائة راه‌کار‌هاي مناسب براي حفظ سلامت جسمي و رواني و پيش‌گيري از ابتلا به انواع بيماري‌هاست. اين علم با ارائة فنون مقابله با اضطراب و فشار‌هاي رواني، راهبرد‌هاي مؤثري را براي حفظ سلامتي و شادي بيشتر ارائه مي‌دهد؛ مثلاً يافته‌هاي روان‌شناسي سلامت به ما مي‌گويد: مثبت انديشي و پرهيز از بدبيني و افکار منفي و همچنين توجه به ارزش‌هاي اخلاقي و معنوي و ارتباط صميمانه با خداوند، موجب آرامش رواني و خشنودي دروني مي‌گردد؛ يا ورزش منظم تأثير زيادي در حفظ سلامت جسمي و روحي ما دارد و براي کاهش افسردگي، اضطراب و برخي اختلالات رواني بسيار مؤثر است.

بدين ترتيب با به کار گرفتن توصيه‌هاي روان‌شناسان مي‌توانيم سلامت جسمي و بهداشت رواني خود را حفظ نموده و ميزان شادکامي و رضايت‌مندي از زندگي‌مان را افزايش دهيم.

5 . تقويت حافظه و بهبود يادگيري

همة ما علاقه‌منديم سريع‌تر و دقيق‌تر بياموزيم و آنچه را آموخته‌ايم، زود از ياد نبريم. روان‌شناسان يادگيري، شناختي و پرورشي، ساليان دراز در اين موضوعات تحقيق کرده‌اند و به نتايج مهم و مفيدي دست يافته‌اند که مي‌تواند ما را در امر بهبود فرايند آموزش و تقويت حافظه ياري نمايد؛ مثلاً روان‌شناسان دريافته‌اند ما مطالب عيني را بهتر از مباحث نظري فرا مي‌گيريم. به همين جهت توصيه مي‌کنند در هنگام يادگيري، سعي کنيد تا حد امکان مطالب را به‌صورت عيني و قابل مشاهده و تجربه درآوريد؛ يا آنها به ما يادآوري مي‌کنند که در هنگام مطالعه، به هيچ موضوع ديگري فکر نکنيد، چون وقتي ذهن به‌طور همزمان با چند موضوع درگير باشد، ميزان يادگيري کاهش مي‌يابد.

6. امکان فرزندپروري بهتر و مؤثرتر و تربيت نسل سالم براي آينده

يکي از مهم‌ترين دغدغه‌هاي والدين، تربيت صحيح فرزندان و آماده کردن آنها براي زندگي سالم در جهان پيچيده و دشوار کنوني است. به همت روان‌شناسان کودک، روان‌شناسي در اين زمينه بسيار پربار و غني‌شده است. تحقيقات بي‌شمار بنيادي و کاربردي که در باب توانايي‌هاي ذهني، نياز‌هاي عاطفي، شيوه‌هاي آموزش، چگونگي رشد شناختي، هيجاني، اخلاقي و معنوي کودکان انجام شده، اين امکان را براي ما فراهم نموده است تا بتوانيم با بهره‌گيري از اين يافته‌ها، شيوه‌هاي درست فرزندپروري را بياموزيم و آنها را از آسيب‌هاي رواني و رفتاري محافظت نماييم.

7. روحيه‌بخشي و تقويت انگيزه تلاش و پيشرفت در خود و ديگران

انگيزه به عنوان موتور محرکة فعاليت‌هاي ما عمل مي‌کند و انرژي لازم براي کار و تلاش را فراهم مي‌آورد. آشنايي با اصول روحيه‌بخش و تقويت انگيزه به ما کمک مي‌کند بهتر بتوانيم خود و ديگران را به انجام فعاليت‌هاي مطلوبمان وادار نماييم. روان‌شناسي انگيزش و هيجان راهبرد‌هاي متنوع و فراواني را براي بالا بردن انگيزه و تقويت روحيه در عرصة آموزش، کار، درمان، جنگ و ... پيشنهاد مي‌کند که با به کار بردن آنها مي‌توانيم بهره‌وري را افزايش داده و خواسته‌هايمان را بهتر و سريع‌تر محقق سازيم.

8 . تصميم‌گيري دقيق‌تر و مديريت کارآمدتر امور زندگي

فرقي نمي‌کند که پدر يک خانه باشيم يا رييس يک اداره يا عضوي از يک گروه و يا مدير يک کاروان، در همه اين موقعيت‌ها نياز به تصميم‌گيري درست و مديريت صحيح فعاليت‌هاي خود و ديگران داريم. آشنايي با فنون حل مسأله و مهارت‌هاي رهبري، به ما کمک مي‌کند تا کنترل بيشتري بر امور زندگي خود و افراد تحت مسئوليت‌مان داشته باشيم. پژوهش‌هاي روان‌شناسي شناختي و اجتماعي، اطلاعات با ارزشي دربارة تصميم‌گيري و فنون مديريت بهتر فراهم کرده‌اند. با به کار بستن اين راهبردها مي‌توانيم تصميم‌هاي عاقلانه‌تري اتخاذ کنيم و زندگي‌مان را بهتر اداره نماييم.

9. پيشگيري از آسيب‌هاي اجتماعي و ناهنجاري‌هاي عمومي

همة جوامع کنوني از آسيب‌هاي اجتماعي و ناهنجاري‌هاي عمومي رنج مي‌برند. مصرف مواد مخدر، بزه‌کاري، جرم و جنايت، فحشا و ساير اعمال غيراخلاقي، خشونت و پرخاشگري‌هاي فردي و جمعي، رفتار‌هاي پرخطر و آسيب‌زا، طلاق و فروپاشي نظام خانواده و ... در اغلب کشورها به عنوان بحران‌هاي خطرناک و هشدار دهنده، مورد توجه سياست‌مداران، انديشمندان و مصلحان قرار گرفته‌اند. براي حل همة مسائل و مشکلات فوق، دانش روان‌شناسي از نقش و اهميت منحصر به فردي برخوردار است؛ زيرا هر چند اين پديده‌ها، اجتماعي تلقي مي‌شوند، اما زيربنايي فردي و روان‌شناختي دارند. روان‌شناسان اجتماعي و باليني به ما مي‌گويند که چگونه مي‌توان از وقوع اين آسيب‌ها پيشگيري نمود و در صورت وقوع، آنها را مهار کرد و عوارض و پيامد‌هاي ناگوارشان را تقليل داد.

10. درمان اختلالات رواني و رفتار‌هاي آسيب‌زا

بسياري از مردم از افسردگي، اضطراب، وسواس، پرخاشگري، ترس‌هاي مرضي، کم‌رويي، وابستگي به مواد و ... رنج مي‌برند. يکي از وظايف مهم روان‌شناسي، کمک به اين اشخاص است. روان‌شناسان باليني با استفاده از ابزار‌هاي دقيق تشخيصي وفنون مختلف درماني سعي مي‌کنند به بيماران رواني کمک کنند تا بر مشکلاتشان فائق آيند و به بهبودي دست يابند.

11. شناسايي استعدادها و گزينش مناسب نيروها

از قديم گفته‌اند هرکسي را بهر کاري ساخته‌اند. ولي چگونه مي‌توانيم بفهميم چه کسي را براي چه کاري ساخته‌اند؟ پاسخ به اين سؤال مهمترين دل‌مشغولي مشاوران شغلي است؛ زيرا اگر استعدادهاي هرکس درست شناسايي شود و در جاي مناسب خود به کار گرفته شود، تا حدود زيادي هم کارها سامان مي‌يابد و هم افراد احساس موفقيت مي‌کنند. روان‌شناسان آشنا با مشاوره شغلي مي‌توانند با استفاده از آزمون‌هاي رغبت‌سنج، مصاحبه‌هاي باليني و تست‌هاي شخصيت، حرفه يا مسئوليت مناسب هر شخص را مشخص نمايند و از اين طريق مانع هدر رفتن توانايي‌ها و استعداد‌هاي اشخاص، تباه شدن سرمايه‌هاي ملي و آسيب ديدن افراد، سازمان‌ها و جامعه شوند.

12. متقاعدسازي افکار عمومي

ما در عصر ارتباطِ جمعي به سر مي‌بريم و در واقع حتي مي‌توان گفت در دوراني زندگي مي‌کنيم که وجه مشخصة آن تلاش براي متقاعد ساختن تعداد بيشتري از مردمان است. هر بار که راديو يا تلويزيون را روشن مي‌کنيم، هر بارکه کتاب، مجله، يا روزنامه‌اي را مي‌گشاييم، کسي مي‌خواهد ما را متقاعد سازد که فرآوردة او را خريداري کنيم، به نامزد انتخاباتي او رأي دهيم، يا برداشت او را از آنچه درست، واقعي و يا زيبا مي‌پندارد، بپذيريم.

بدين ترتيب مي‌توان گفت در جهان کنوني انجام بسياري از اقدامات ملي و جهاني نيازمند تأييد افکار عمومي مي‌باشد. انتخابات، کسب قدرت سياسي، اعلان جنگ و صلح و اتخاذ تصميم‌هاي اساسي در سطح شهر، کشور و جهان همه در گرو توانايي متقاعدسازي توده‌هاست. اين امر بدون استفاده از دستاورد‌هاي روان‌شناسي اجتماعي ممکن نيست. روان‌شناسان اجتماعي به ما مي‌گويند چگونه مي‌توانيم مخاطبان را بهتر متقاعد سازيم و آنها را واداريم که نگرش خود را مطابق ميل ما تغيير دهند. از اين رو معمولاً در کشور‌هاي توسعه‌يافته، رهبران و سياست‌مداران قبل از اجراي منويات خويش، با استمداد از روان‌شناسان تلاش مي‌کنند مردم را نسبت به اقدام مورد نظرشان توجيه نمايند و تأييد اکثريت افکار عمومي را به دست آورند.

13. تنظيم رفتار فردي و اجتماعي مردم (مهندسي رفتار)

اغلب دولت‌ها و حکومت‌ها مايلند مردم بر اساس مقررات و قوانيني که آنها اعلام مي‌کنند، رفتار نمايند. به عنوان مثال مقررات انتظامي، رانندگي، ماليات و ارزش‌هاي حاکم بر جامعه را رعايت کنند و از آن تخطي ننمايند. روان‌شناسان مي‌توانند به رهبران، سياست‌مداران و ساير دست‌اندرکاران امور اجتماعي بگويند که چگونه مي‌توان رفتار فردي و اجتماعي مردم را کنترل نمايند و در يک پروسه زماني معين، رفتار مورد نظر خود را در آنان ايجاد کنند.

14. جنگ رواني و تضعيف روحيه دشمن

وقتي بين دو کشور کشمکش و درگيري رخ مي‌دهد، هريک از طرفين نبرد سعي مي‌کنند با حداقل هزينه و تلفات، رقيب را از پا درآورند و پيروزي را از آن خود سازند. رمز اصلي موفقيت در ميدان جنگ، بالا بودن روحية سربازان خودي و تضعيف روحية دشمن مي‌باشد که اين کار از طريق جنگ رواني اتفاق مي‌افتد.

در جنگ رواني روان‌شناسان با بهره‌مندي از اصول روان‌شناختي مانند شايعه‌سازي، بزرگ‌نمايي و ايجاد اختلاف در صفوف دشمن، توان رواني آنها را به تحليل مي‌برند و نيروهاي دشمن را در وضعيتي قرار مي‌دهند که اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و خود را در مقابل دشمن ناتوان و ضعيف بپندارند.

در مقابل، با استفاده از فنون انگيزه‌بخشي، آرمان‌گرايي و حماسه‌سازي، روحيه نيروهاي خودي را تقويت نموده و آنان را براي کسب پيروزي به تلاش شجاعانه و فداکاري ايثارگرانه ترغيب مي‌کنند.

کاربردهاي روان‌شناسي در عرصه حج و زيارت

از آنجاکه حج نيز بخشي از زندگي مسلمانان است، بسياري از کاربردهاي فوق در اين سفر معنوي نيز قابل استفاده مي‌باشد؛ به عنوان مثال، برقراري روابط مطلوب با همسفران و ساير حجاج، آشنايي با شيوه‌هاي عملي دست کشيدن از اعمال و رفتارهاي نادرست،‌ درک بهتر مسائل ديني و يادگيري مؤثرتر، حفظ سلامت رواني در سفر حج و بهره‌برداري هرچه بيشتر از فضاي معنوي حج و استمرار آن در زندگي، برخي از کاربردهاي روان‌شناسي در عرصة حج و زيارت است. علاوه بر اين، نگاهي به سند راهبردي حج اين موضوع را عيان مي‌سازد که بسياري از اهداف فرهنگي حج ارتباط تنگاتنگي با علم روان‌شناسي دارد؛ مثلاً بدون آشنايي کارگزاران، برنامه‌ريزان، مجريان، مديران و روحانيون کاروان‌ها با اصول روان‌شناسي، تحقق اهداف فرهنگي که در زير ذکر شده مقدور نمي‌باشد:

1. ايجاد تغيير و تحوّل روحي، اخلاقي و رفتاري در حجاج و تعميق باور‌هاي ديني در مردم؛

2. ارتقاي سطح آگاهي حجاج در زمينه‌هاي ديني متناسب با اهداف حج؛

3. آشناسازي حاجيان با روح و باطن حج و ويژگي‌هاي حج ابراهيمي؛

4. انجام صحيح و درست اعمال و مناسک حج؛

5 . آشناسازي حاجيان در زمينة معارف اهل بيت(هم) و مکتب تشيع؛

6 . حرکت در جهت وحدت امت اسلامي و تقريب مذاهب اسلامي؛

7. ايجاد و تقويت روح اخوت ديني در ميان حاجيان؛

8 . بهره‌گيري از مشارکت حجاج در زمينه‌هاي فرهنگي و افزايش جنبه‌هاي هدايتي و نظارتي بعثه در اين امور.

افزون بر آن‌چه گذشت، مي‌توان از فرصت بزرگ و استثنايي حج براي انجام پژوهش‌هاي ميداني در باب تأثير رفتارهاي ديني و معنوي بر آدمي سود جست و بدين ترتيب به توليد علم و گسترش مرزهاي دانش روان‌شناسي در عرصه‌هاي ناشناخته کمک کرد. بدين‌ترتيب مي‌توان گفت حج و روان‌شناسي داراي يک رابطه تعاملي و دو سويه مي‌باشند؛ به‌طوريکه هرکدام مي‌توانند در جهت توسعه و بهينه‌سازي ديگري مؤثر باشند؛ يعني هم مناسک حج مي‌تواند در توسعة پژوهش‌هاي روان‌شناختي نقش ايفا کند و هم از يافته‌ها و دستاورد‌هاي دانش روان‌شناسي مي‌تواند در جهت انجام بهتر و مؤثرتر مناسک حج سود ببرد. بنابراين، حضور دانش روان‌شناسي در عرصة حج و زيارت به دو دستاورد بزرگ علمي و عملي منجر مي‌شود:

1. توصيف و تبيين روان‌شناختي مناسک حج؛ بررسي آثار و پيامد‌هاي روحي ـ رواني زيارت خانة خدا و مناسک حج در حجاج مي‌تواند به توسعة پژوهش‌هاي مربوط به روان‌شناسي دين کمک نمايد. براي اين منظور ابتدا بايستي توصيف روان‌شناختي جامعي از حالات روحي ـ رواني زائران در هنگام انجام مناسک حج و آثار و پيامد‌هاي شناختي، عاطفي و رفتاري آن ارائه دهيم؛ سپس با روش تجربي، تبيين علمي دقيقي از چگونگي پديدآيي اين حالات و پيامدها به دست دهيم؛ و در مرحله سوم بر اساس توصيف و تبيين فوق، تلاش کنيم پيامد‌هاي مثبت را افزايش و پيامد‌هاي منفي را پيش‌بيني و كنترل نماييم.

اين مطالعات مي‌تواند ضمن توليد نظريه و برانگيختن پژوهش‌هاي ميداني، به گسترش دانش روان‌شناسي، به ويژه در حوزه روان‌شناسي دين بينجامد و با توليد علم، افق‌هاي جديدتري را به روي اين رشتة علمي بگشايد. علاوه بر اين، مطالعات فوق مي‌تواند در برنامه‌ريزي‌هاي کلان حج مورد استفاده قرار گيرد و براي بهينه‌سازي فرايندهاي اجرايي و تحقق اهداف الهي حج راهبرد‌هاي عملي مناسبي ارائه نمايد.

2. کاربرد يافته‌هاي روان‌شناسي در مراسم حج؛ در اين معنا، دانش روان‌شناسي به مثابة ابزاري کارآمد در خدمت مسئولان و کارگزاران حج قرار مي‌گيرد. استفاده از اصول و نظريات روان‌شناسي در مراحل مختلف تصميم‌گيري، برنامه‌ريزي، اجرا و نظارت کلية اقدامات و فعاليت‌هاي مرتبط با زائران به مسئولان و کارگزاران حج کمک مي‌کند تا عمليات حج را با مشکلات کمتر و بهره‌مندي بيشتر از ظرفيت معنوي حج به انجام رسانند.

بر اين اساس، در يک تقسيم‌بندي کلي بر اساس گروه‌هاي هدف، ميتوان کاربرد‌هاي روان‌شناسي در عرصة حج و زيارت را به چهار دسته بزرگ تقسيم نمود:

1. کاربرد‌هاي روان‌شناسي در عرصة سياست‌گذاري، برنامه‌ريزي، نظارت و اجراي عمليات حج، که مخاطب آن کارگزاران و مسئولان ستادي سازمان حج و زيارت و بعثة جمهوري اسلامي ايران مي‌باشند.

2. کاربرد‌هاي روان‌شناسي در حوزة آموزش، اصلاح رفتار و فرهنگ‌سازي که نياز‌هاي روان‌شناختي روحانيون و مسئولان فرهنگي حج را مرتفع مي‌سازد.

3. کاربرد‌هاي روان‌شناسي در امور مربوط به ادارة کاروان، ارتباط با زائران و حل تعارض‌ها و مشکلات احتمالي مديران، معاونان و خدمه کاروان‌هاي حج.

4. خدمات روان‌شناسي به حجاج و زائران بيت‌الله‌الحرام براي يادگيري بهتر احکام حج، موفقيت در تهذيب نفس واصلاح رفتارها وعادات ناپسند و درمجموع استفاده مطلوب‌تر از اين سفر معنوي.

بنابراين، بهينه‌سازي مراسم حج و کسب حداکثر رضايت حجاج، بهره بردن از آثار باطني حج و آثار تربيتي آن، حفظ ارزش‌هاي حج و نهادينه شدن آن در فرهنگ ديني جامعه و همچنين تجلي آثار معنوي حج در رفتار ديني و ساير بخش‌هاي زندگي حجاج، مستلزم توجه به ابعاد روان‌شناختي حج و کاربرد يافته‌هاي اين علم در اجزا و مراحل مختلف اين سفر عبادي ـ معنوي مي‌باشد.

پی نوشت ها:

1. قال رسول‌الله(ص) : «من عرف نفسه، فقد عرف ربه»، بحار الأنوار، ج3، ص32

2. قال امام علی(ع) : «معرفة النفس أنفع المعارف»، غرر الحکم، ج6 ، ص148

3. اتکينسون و همکاران، 2005

4. Wilhelm Wundt.

5. Leipzig

6. Experimental introspection

7. abnormal

8. Psychotics

9. neurotics

10. Freud, S.

11. Unconscious.

12. consciousness

13. Psychoanalysis

14. Structuralism

15. Biologism.

16. behaviorism

17. eagnitivism.

18. Gestalt Psycholgoy

19. Humanistic psychology

20. Conditioned responses

21. holistic

22. biochemistry

23. general psychology

24. developmental Psychology

25. Personality Psychology

26. Individual differences

27. learning psychology

28. educational psychology

29. School psychology

30. Psychometrics

31. abnormal psychology

32. clinical Psychology

33. counsenling

34. Health psychology

35. Family therapy

36. Social Psychology

37. Cross-cultural psychology

38. Psychology of religen

39. Environmental psychology

40. Promot communication psychology.

41. Management.

42. Industrial Psychology

43. Politic psychology.

44. Psychology of arts.

منابع

الآمدي التميمي، عبدالواحد. (1410 ق). غررالحكم و دررالكلم. قم: دارالکتاب الاسلامي.

اتکينسونها و همکاران. (1384). زمينه روان‌شناسي هيلگارد. ترجمه محمدنقي براهني و همکاران. تهران: انتشارات رشد.

سانتراک، جان دبليو. (1385). زمينة‌ روان‌شناسي سانتراگ.‌ ترجمه مهرداد فيروزبخت. تهران: انتشارات رسا.

مجلسي، محمد باقر. بحارالانوار. (1412 ق). لبنان، بيروت: دار الاحياء التراث العربي.

مک برني، دونالد، اچ. (1380). چگونه مي‌توان مانند يک روان‌شناس فکر کرد؟ ترجمه احمد رضواني.‌ انتشارات آستان قدس رضوي.

ويتيک، آرنو. (1386). مقدمة روان‌شناسي. ترجمة مهدي محي‌الدين بناب. تهران: انتشارات رشد.